

بسم الله الرحمن الرحيم

# علوم قرآنی ۱

(وحی و نزول)

دکتر محمدباقر سعیدی روشن

(عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

تابستان ۱۳۹۸

درسمو دانشگاه  
علوم قرآن و حدیث

Saedi Roshan, Mohammad bagher

سعیدی روشن، محمدباقر، ۱۳۴۰ -

علوم قرآنی ۱ / محمدباقر سعیدی روشن؛ [برای] وزارت علوم تحقیقات و فناوری مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.

چهارده، ۲۳۶ ص. : (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۴۸۶: قرآن پژوهی؛ ۶۱) بها: ۲۴۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-298-263-6

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

چاپ قبلی: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۳۸۷.

کتابنامه. ص. [۲۱۹] - ۲۲۵: همچنین به صورت زیرنویس. نمایه.

۱. قرآن -- علوم قرآنی. ۲. Qur'an -- Qur'anic sciences. ۳. قرآن -- علوم قرآنی -- راهنمای آموزشی (عالی).

۴. Qur'an -- Qur'anic sciences -- Study and teaching (Higher). ۵. قرآن -- علوم قرآنی -- پرسش ها و

پاسخ ها. ۶. Qur'an -- Qur'anic sciences -- Questions and answers. ۷. قرآن -- تحقیق. ۸. Qur'an --

Research. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۲۹۷/۱۵

BP۶۹/۵

۵۷۶۲۱۷۱



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
مرکز ملی توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور



## علوم قرآنی ۱ (وحی و نزول)

مؤلف: حجت الاسلام دکتر محمدباقر سعیدی روشن

ناظر: حجت الاسلام دکتر محمدتقی دیاری

ویراستار: سعیدرضا علی عسگری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه آرایشی: اعتصام

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

این اثر با حمایت مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور تدوین شده و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نیش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.ب. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶



## سخن مرکز

علوم قرآن و حدیث، رشته دیرپای دانشگاهی است که عزت انتساب آن به قرآن کریم و حدیث شریف موجب شده تا جامعه، انتظارات علمی، ارزشی و حتی عاطفی ویژه‌ای از آن داشته باشد. از این رو «مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور» با هدف تحول و تعالی نظام تولید علم و تربیت نیروی انسانی قرآنی متناسب با نیاز کنونی جامعه اسلامی، بازنگری و تجمیع برنامه‌های درسی دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث را در دستور کار قرار داد.

انجام این مأموریت با مشارکت صاحب‌نظران علوم قرآن و حدیث و زمینه‌های مرتبط، پنج سال به طول انجامید که حاصل آن، برنامه درسی مشتمل بر ۱۰۰ واحد مشترک و شش مجموعه اختیاری ۳۵ واحدی با عناوین «مطالعات قرآن»، «مطالعات حدیث»، «تربیت دبیر آموزش قرآن و حدیث»، «تربیت مربی آموزش قرآن و حدیث»، «هنرهای قرآنی (قرائت و کتابت)» و «فرهنگ و رسانه» است.

نقشه راه این تحول ضروری می‌نمود که درسنامه‌های رشته نیز، طراحی و تدوین شود. این کار با شناسایی و جلب مشارکت استادان بسیاری از گروه‌های آموزشی کشور و با مدیریت «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «دانشگاه قرآن و حدیث» انجام شد.

این اقدامات، نخستین گام در ارتقای محتوا و انسجام درونی این رشته بود که بی‌گمان از نقص و نارسایی مبرّا نیست. امید می‌رود این برنامه و درسنامه‌های آن مورد عنایت استادان و دانشجویان گرامی قرار گیرد و با نظرات مشفقانه و انتقال تجربیات اجرای آن، این مرکز را در بازنگری مجدد برنامه کارشناسی و بازطراحی مقاطع تحصیلات تکمیلی همراهی کنند.

مرکز هماهنگی و توسعه  
پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۴۹۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان کتاب درسی در زمینه مطالعات قرآنی برای دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث و تفسیر در مقطع کارشناسی فراهم شده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های نویسنده محترم اثر، حجت‌الاسلام دکتر محمدباقر سعیدی روشن و نیز از ناظر محترم اثر، حجت‌الاسلام دکتر محمدتقی دیاری سپاسگزاری کند.

همچنین از نقش حمایتی مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور و تلاش‌های اعضای محترم کارویژه مدیریت تدوین درسنامه‌های قرآنی و همه عزیزانی که در آماده‌سازی و انتشار این اثر نقش داشته‌اند؛ سپاسگزاری می‌شود.

## فهرست مطالب

۱	یادکرد نکاتی چند.....
۵	مقدمه.....

### فصل ۱: قرآن در یک نگاه

۷	مقدمه.....
۷	نام‌های قرآن.....
۸	مفهوم قرآن.....
۹	معنای اصطلاحی قرآن.....
۹	نشانه‌ها و اوصاف.....
۱۰	۱. تجلی خدای متعال.....
۱۰	۲. نور.....
۱۰	۳. بهترین سخن خدا.....
۱۱	۴. برهان.....
۱۱	۵. تبیان جامع هدایت و سعادت.....
۱۲	۶. کتاب حق و مصون از تردید.....
۱۲	۷. کتاب راهنما.....
۱۳	۸. شفای آلام انسان.....
۱۳	۹. جداکننده حق از باطل.....
۱۴	۱۰. کتابی برای همه.....
۱۵	۱۱. سخن کریم، فرازمند و قوام‌بخش.....
۱۵	۱۲. بشارت‌بخش و هشداردهنده.....
۱۶	۱۳. حبل الله.....
۱۷	۱۴. انحراف‌ناپذیر.....

۱۷	..... منظومه‌ای نظام‌واره
۱۷	..... خلاصه
۱۸	..... پرسش‌هایی برای تأمل

### فصل ۲: علوم قرآن و جایگاه آن

۱۹	..... معنای اصطلاحی علوم قرآن
۲۰	..... طبقه‌بندی علوم قرآن
۲۱	..... گستره علوم قرآن
۲۱	..... پیشینه علوم قرآن و روند شکل‌گیری آن
۲۲	..... کاربرد اصطلاحی علوم قرآن برای نخستین بار
۲۳	..... آثار جوامع در علوم قرآن
۲۴	..... ضرورت و کاربرد علوم قرآن
۲۵	..... روش تحقیق در علوم قرآن
۲۵	..... الف) کاربرد روش نقلی (تاریخی) در علوم قرآن
۲۶	..... ب) کاربرد روش عقلی (تحلیلی) در علوم قرآن
۲۷	..... ج) کاربرد روش تحلیلی زبانی در علوم قرآن
۲۷	..... خلاصه فصل
۲۸	..... پرسش‌هایی برای تأمل

### فصل ۳: وحی یا راهی دیگر برای معرفت

۲۹	..... مقدمه
۲۹	..... مفهوم واژه وحی
۳۴	..... کاربردهای واژه وحی در قرآن
۳۴	..... ۱. تقدیر و تدبیر عام نظام هستی
۳۵	..... ۲. تدبیر غریزی حیوان
۳۵	..... ۳. الهام و در دل افکندن
۳۶	..... ۴. اشاره
۳۶	..... ۵. وحی تسدید
۳۷	..... ۶. وحی تشریحی، آگاهانیدن پیامبران توأم با بعثت و رسالت
۳۷	..... ۷. رابطه بی‌واسطه خداوند با پیامبر خود
۳۸	..... مفهوم اصطلاحی وحی
۳۹	..... تدبیر عام الهی، فرایندی جهان‌شمول
۴۰	..... سنخ معرفت وحی تشریحی
۴۰	..... اقسام علوم انسان
۴۱	..... علم حضوری و حصولی



۴۱	.....	ویژگی علم حضوری
۴۱	.....	مبادی درونی معرفت انسان
۴۲	.....	۱. حس و تجربه
۴۲	.....	۲. تعقل و تفکر
۴۳	.....	۳. تجربه درونی و شعور باطنی
۴۶	.....	۴. وحی تشریحی، معرفت مختص انبیا
۴۷	.....	○ خلاصه
۴۹	.....	○ پرسش‌هایی برای تأمل

#### فصل ۴: تفسیر جامعه‌شناختی و روان‌شناختی از وحی

۵۱	.....	مقدمه
۵۱	.....	۱. پیامبری یا نبوغ اجتماعی و اصلاح‌گری
۵۴	.....	۲. تحلیل روان‌شناختی از وحی
۵۶	.....	بررسی و ارزیابی
۶۱	.....	○ خلاصه
۶۲	.....	○ پرسش‌هایی برای تأمل

#### فصل ۵: وحی خدا، نه تجربه دینی

۶۳	.....	مقدمه
۶۴	.....	۱. فرهنگ دینی غرب، خلاً فقدان وحی الهی
۶۴	.....	۲. همسان‌انگاری وحی با الهام
۶۶	.....	۳. چالش‌های نو، رویکرد تجربه دینی
۶۶	.....	۴. تأثیرپذیری از نظریه تجربه دینی و رویکرد پدیدارشناسی
۶۷	.....	۵. تجربه دینی یا وحی؟
۶۷	.....	۵-۱. تجربه دینی، رویکردهای پراکنده
۶۹	.....	۵-۲. اشتراک و تمایز
۶۹	.....	۵-۳. وحی، منشأ الهی
۷۱	.....	۵-۴. احساس مبهم تجربه دینی، وضوح وحی
۷۲	.....	۵-۵. تجربه شخصی، بعثت توحیدی و رسالت اجتماعی
۷۲	.....	۵-۶. خطاپذیری تجربه دینی، اعتبار معرفتی وحی
۷۳	.....	۵-۷. احساس درونی، همراهی با بینه
۷۴	.....	۵-۸. تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری بر فرهنگ جامعه؟
۷۵	.....	۵-۹. استمرار تجربه و عبور از شریعت، یا اکمال دین و ختم وحی؟
۷۶	.....	۵-۱۰. بسط وحی یا تجلی؟
۷۹	.....	۵-۱۱. وحی و ساختار زبانی قرآن

- خلاصه ..... ۸۰
- پرسش‌هایی برای تأمل ..... ۸۱

### فصل ۶: وحی در آینه عقل و وحی

- مقدمه ..... ۸۳
- ۱. راهبرد عقل و وحی ..... ۸۳
- ۲. مبانی تحلیل عقلی ..... ۸۴
- ۳. عقل و تحلیل وحی ..... ۸۵
- ۴. نگرش حکیمان مسلمان ..... ۸۶
- ۵. تحلیل وحی، در پرتو خود وحی ..... ۸۸
- مؤلفه‌های وحی، در پرتو نگاه وحی ..... ۹۰
- ۱. غیرارادی بودن وحی ..... ۹۰
- ۲. ناتوان از تغییر و تبدیل وحی ..... ۹۱
- ۳. ناهم‌سطحی معارف قرآن با فرهنگ عصر نزول ..... ۹۴
- ۴. سیره صادقانه و پای‌بندی پیامبر ﷺ به آیین خود ..... ۹۷
- ۵. اتقان و استواری قرآن و تکامل تدریجی و خطادار انسان ..... ۹۷
- ۶. هم‌آوردجویی‌ها و پیشگویی‌های غیرمتعارف متن قرآن ..... ۹۸
- ۷. تمایز وحی قرآن و سخن پیامبر ..... ۱۰۰
- خلاصه ..... ۱۰۱
- پرسش‌هایی برای تأمل ..... ۱۰۳

### فصل ۷: امکان و ضرورت وحی نبوی

- مقدمه ..... ۱۰۵
- ظهور فعلی، گویاترین دلیل امکان ..... ۱۰۵
- عوامل ستیز با وحی ..... ۱۰۷
- الف) محدوداندیشی ..... ۱۰۷
- ب) اخلاق مادی ..... ۱۰۷
- وحی و قانون علیت عام ..... ۱۰۸
- ضرورت حضور تشریحی خدا در سرنوشت انسان ..... ۱۰۹
- هستی، نظم و هدف‌داری ..... ۱۱۰
- انسان و هدف حیات ..... ۱۱۱
- هدف انسان، ضرورت وحی ..... ۱۱۱
- وحی و نبوت، لازمه لطف و حکمت خدا ..... ۱۱۳
- دستاویز منکران ضرورت نبوت ..... ۱۱۶
- ۱. کفایت دانش بشر ..... ۱۱۶

۲. تحقق نیافتن هدف تکاملی..... ۱۱۷
۳. روزگاری که بشر همه چیز را خواهد دانست..... ۱۱۸
- خلاصه..... ۱۱۹
- پرسش‌هایی برای تأمل..... ۱۲۱

### فصل ۸: ختم نبوت، پایان وحی، آغاز یک آیین جهانی و جاودان

- مقدمه..... ۱۲۳
- بعثت حضرت محمد ﷺ، ختم نبوت و پایان وحی..... ۱۲۳
- محمد خاتم پیامبران..... ۱۲۴
- حدیث منزلت..... ۱۲۵
- راز ختم نبوت و انقطاع وحی..... ۱۲۶
۱. رسالت حضرت محمد ﷺ، اکمال دین..... ۱۲۶
۲. جامعیت آیین محمدی ﷺ..... ۱۲۷
۳. دعوت جهانی و جاودان..... ۱۲۹
- پذیرش ادیان دیگر..... ۱۳۰
۴. ظرف بعثت پیامبر خاتم ﷺ و نزول قرآن..... ۱۳۱
- انگاره بسط وحی، پنداری وهم‌آلود..... ۱۳۲
- قطع وحی، حضور حجت و دوام فیض خدا..... ۱۳۳
- خلاصه..... ۱۳۴
- پرسش‌هایی برای تأمل..... ۱۳۶

### فصل ۹: وحی محمدی ﷺ، تعبیرها و مفاهیم، حقیقت نزول

- مقدمه..... ۱۳۷
- وحی..... ۱۳۷
- تلاوت..... ۱۳۸
- تکلم..... ۱۳۸
- شیوه‌های تکلم خداوند با پیامبران..... ۱۳۹
- نزول..... ۱۴۱
- نگرش مفسران در مفهوم نزول..... ۱۴۲
- نزول و تجلی قرآن..... ۱۴۴
- خلاصه..... ۱۴۵
- پرسش‌هایی برای تأمل..... ۱۴۷

### فصل ۱۰: وحی قرآنی و چگونگی نزول آن

- مقدمه..... ۱۴۹

۱۴۹	..... نزول قرآن و بعثت پیامبر اسلام ﷺ
۱۵۰	..... زمان بعثت
۱۵۰	..... دیدگاه اهل سنت
۱۵۲	..... آگاهی پیامبر ﷺ از رسالت خویش
۱۵۴	..... روایات ناسره در وصف وحی محمدی
۱۵۶	..... ارزیابی این پندار
۱۵۶	..... فقدان سند
۱۵۶	..... رویاروی با عقل برهانی و نقل ضروری
۱۵۷	..... نقد محتوا
۱۵۸	..... وحی بی واسطه و باواسطه
۱۵۸	..... یک، وحی مستقیم و بی واسطه
۱۵۹	..... دوم، وحی باواسطه
۱۶۰	..... تحلیل چگونگی دریافت وحی بی واسطه و باواسطه
۱۶۱	..... دوران نبوت پیامبر اکرم ﷺ و مدت نزول قرآن
۱۶۳	..... ○ خلاصه
۱۶۶	..... ○ پرسش‌هایی برای تأمل

### فصل ۱۱: نزول قرآن، معنا؟ یا لفظ و معنا؟

۱۶۷	..... مقدمه
۱۶۷	..... وحی قرآنی، نزول معنا و لفظ
۱۷۰	..... نزول معنا بر پیامبر ﷺ
۱۷۱	..... پیامبر، فاعل وحی
۱۷۲	..... نقد
۱۷۲	..... تصریح بر عربی بودن از سوی خدا
۱۷۳	..... تنزیل کتاب
۱۷۳	..... درخواست تغییر قرآن و پاسخ منفی
۱۷۴	..... اعجاز قرآن در پرتو لفظ و معنا
۱۷۴	..... خداوند، فاعل و مؤثر حقیقی وحی
۱۷۵	..... محمد ﷺ، راوی رؤیای رسولانه!
۱۷۶	..... نقد
۱۷۶	..... ○ خلاصه
۱۷۸	..... ○ پرسش‌هایی برای تأمل

### فصل ۱۲: نزول اجمالی و نزول تفصیلی

۱۷۹	..... مقدمه
-----	-------------

۱۷۹	..... نزول تدریجی یا نزول یکباره؟
۱۸۰	..... ۱. ماه رمضان، آغاز نزول قرآن
۱۸۱	..... نقد
۱۸۲	..... ۲. نزول آیات مورد نیاز هر سال در ماه رمضان
۱۸۲	..... ۳. نزول بیشتر آیات قرآن در ماه رمضان
۱۸۳	..... ۴. نزول قرآن در شأن رمضان
۱۸۳	..... ۵. نزول یکباره به بیت المعمور و نزول تدریجی به پیامبر ﷺ
۱۸۳	..... ۵-۱. توجیه اهل سنت از این نظریه
۱۸۴	..... ۵-۲. توجیه برخی عالمان شیعه از این نظریه
۱۸۵	..... ۶. نزول اجمالی و نزول تفصیلی بر قلب پیامبر اکرم ﷺ
۱۸۶	..... قرآن حقیقت ذومراتب
۱۸۶	..... شواهد و دلایل
۱۸۸	..... حکمت نزول جمعی قرآن
۱۸۹	..... حکمت‌های نزول تدریجی
۱۹۱	..... ○ خلاصه
۱۹۲	..... ○ پرسش‌هایی برای تأمل

### فصل ۱۳: قرآن، آیه‌ها، سوره‌ها، زمینه‌ها و فضاهای نزول

۱۹۳	..... مقدمه
۱۹۴	..... آیه‌ها و سوره‌های قرآن
۱۹۵	..... نخستین آیات و آخرین آیات
۱۹۶	..... شماره‌گذاری و تعداد آیات قرآن
۱۹۶	..... سوره‌های قرآن
۱۹۷	..... ترتیب سوره‌ها
۱۹۸	..... تأثیر نداشتن ترتیب سوره‌ها در متن قرآن
۱۹۸	..... مکی و مدنی بودن سوره‌ها و آیات
۱۹۸	..... فایده شناخت مکی و مدنی
۱۹۸	..... مفهوم مکی و مدنی
۱۹۹	..... راه شناخت آیات مکی از مدنی
۲۰۰	..... برخی ویژگی‌های آیات مکی
۲۰۰	..... برخی ویژگی‌های آیات مدنی
۲۰۱	..... ○ خلاصه
۲۰۲	..... ○ پرسش‌هایی برای تأمل

## فصل ۱۴: وحی قرآن پس از نزول، ابلاغ و تثبیت

مقدمه .....	۲۰۳
۱. قرائت و ابلاغ قرآن .....	۲۰۳
۲. حفظ قرآن و حافظان .....	۲۰۴
عوامل و انگیزه‌های حفظ قرآن .....	۲۰۴
۳. کتابت و نگارش قرآن .....	۲۰۶
۴. تبیین مفاهیم و معارف قرآن .....	۲۰۷
نقش‌های گوناگون سنت در تفسیر .....	۲۰۹
○ خلاصه .....	۲۱۰
○ پرسش‌هایی برای تأمل .....	۲۱۰

## پیوست: نیم‌نگاهی به معارف و آموزه‌های قرآن

۱. خداوند جهان از دیدگاه قرآن .....	۲۱۱
۲. انسان از دیدگاه قرآن .....	۲۱۲
۳. پیامبری از دیدگاه قرآن .....	۲۱۳
۴. اشاره‌های علمی قرآن به اسرار آفرینش .....	۲۱۴
۵. قرآن و فلسفه تاریخ .....	۲۱۴
۶. ارزش‌های برین و متعالی .....	۲۱۵
۷. ویژگی‌های معارف قرآن .....	۲۱۶
منابع .....	۲۱۹
نمایه‌ها .....	۲۲۷

## یادکرد نکاتی چند

قرآن نامه آسمانی خدا به انسان است که از طلیعه ظهور خود آثاری شگرف در جان و جهان آدمیان نهاده و دگرگونی‌های عظیمی را در فرهنگ و اجتماع بشر پدید آورده است. اینک این گنجینه بی‌همسان الهی در اختیار ما قرار دارد و انسان امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند هدایت قرآن است. تاریکی‌های گمراهی جز در پرتو قرآن روشن نمی‌یابد. بدین‌روی شناخت قرآن و راهکار دستیابی به معارف آن، یک ضرورت اساسی در راستای بهره‌مندی از هدایت قرآن است. امروز در برابر راه توحید، دنیای کفر و دین‌ستیزی مدرن قرار دارد. انسان مسلمان اینک بیش از هر زمان دیگر نیازمند بازگشت به قرآن است.

۱. علوم قرآن مادر علوم اسلامی است که در پرتو قرآن کریم، قرائت، فهم و تفسیر آن به بار نشست و اهتمام مسلمانان را معطوف دانش‌های گوناگون ساخت. اثر پیش‌رو به هدف تهیه یک متن آموزشی براساس سرفصل ارائه شده علوم قرآن (۱) تحریر یافته است؛

۲. هندسه مطالعات قرآنی را می‌توان در یک نگاه کلان معطوف در سه ضلع اساسی ملاحظه کرد. یک، مسائل شناخت‌نامه‌ای قرآن؛ دو، مسائل مربوط به چگونگی فهم و تفسیر قرآن (اصول، مبانی و قواعد تفسیر به‌مثابه معرفت آلی و درجه دوم)؛ سه، ذات معارف و آموزه‌های مستخرج از متن قرآن که در کتاب‌های تفسیر ترتیبی یا موضوعی یافته می‌شود؛

۳. بر این اساس می‌توان مسائل اختصاصی علوم قرآن را در سه محور اساسی طبقه‌بندی کرد: نخست علمی که از مبادی شمرده می‌شود و شناسنامه قرآن و هویت الهی این کتاب را ترسیم می‌نماید و معلوم می‌سازد که منشأ پیدایش این متن و پدیدآورنده آن کیست و این کتاب چگونه در میان بشر ظهور یافته و به شکل کنونی در اختیار انسان‌ها قرار گرفته است. این علوم

شامل موضوعاتی چون: وحی، نزول، اعجاز، جمع و تدوین، تحریف‌ناپذیری و مانند اینها و فروعات مربوط به هر یک می‌شود. کارکرد دانش‌های یاد شده آن است که زمینه شناخت ذات قرآن و خصوصیات آن را فراهم می‌نمایند. پیداست که این مسائل برخی صبغه عقلی و اقتضای روش کلامی دارند، و برخی جنبه نقلی دارند؛

محور دوم، علوم است که از عوارض ذاتی قرآن بحث می‌کند و پس از روشن شدن هویت الهی متن قرآن، چگونگی تعامل انسان با قرآن را مورد کاوش قرار می‌دهد. این محور خود به دو گروه تقسیم می‌گردد. یک دسته به الفاظ قرآن صرف نظر از معنا می‌پردازد مانند: علوم قرائت و تجوید. گروه دیگر علوم است که معانی قرآن را در نظر دارد و چگونگی فهم قرآن و شیوه دستیابی به محتوای آن را به مطالعه می‌گذارد. موضوعاتی چون: تفسیر، تأویل، امکان و جواز فهم قرآن، اعتبار و ارزش (حجیت) فهم ما از قرآن، قواعد فهم و تفسیر، معیار و منطق تفسیر قرآن، آداب و شرایط تفسیر، حدود فهم ما از قرآن، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید، اسباب نزول، وجوه و نظائر، اقسام معنا و... همه در این محور جای می‌گیرد. لازم به اشاره است که افزون بر دو محور فوق، محوری سوم در مسائل علوم قرآن پدید آمده است که اختصاص به قرآن ندارد و از عوارض غیر ذاتی و غیر اختصاصی به قرآن یعنی عوارض غریب آن بحث می‌کند، و البته نقش و اهمیتی بسزا در فهم و تفسیر و شناخت معانی و معارف و آموزه‌های قرآن ایفا می‌کند، مانند علوم ادبی و زبان‌شناختی؛

۴. اثر حاضر در زمره ضلع نخست و مسائل شناخت‌نامه‌ای و از مبادی علوم قرآن محسوب می‌شود. در این اثر اهتمام بر آن بوده است تا متن و مسائل مرتبط با سرفصل، برابر یک نظم و چینش منطقی و علمی سامان یابد و صرف نظر از بُعد اعتقادی مسلمانان به وحی قرآنی، گام‌به‌گام از اصل وجود قرآن، انتساب آن به خداوند، چگونگی شکل‌گیری و تدوین آن بررسی شود. از این‌رو، به جز فصل اول که نگاهی به ویژگی‌ها و اهداف قرآن دارد، و فصل دوم، که تعریف علوم قرآن است؛ بدنه اصلی این اثر ناظر به هویت شناخت‌نامه‌ای قرآن است که بخش عمده آن رویکرد کلامی قرآنی دارد و بخشی نیز جنبه تاریخی قرآنی؛

۵. قرآن به‌مثابه وحی الهی نوعی معرفت برای پیامبر است. به قاعده این تأمل معقول و مقبول است که وحی چیست، چه تفاوتی با دیگر معرفت‌های بشری دارد؟ چه ضرورتی به نزول وحی است؟ و اگر ضرورت دارد چرا پیوسته جریان ندارد؟ فصل‌های سه تا نه، این مسائل را بررسی





می‌نماید. هدف طرح این مسائل آن است که در چارچوب یک فرایند علمی، تمایز وحی از دیگر معرفت‌های بشری چون تجربه، تعقل و کشف و شهود آشکار شود. و احراز گردد که وحی نوع خاصی از معرفت تکمیلی در حیات انسان است که همراه با رسالت و پای‌بندی ویژه به افراد خاصی نازل می‌شود تا زمینه راهنمایی نوع انسان به خیر و صلاح و هدف مطلوب زندگی فراهم آید؛

۶. سه فصل مربوط به مفهوم نزول وحی، و چگونگی نزول وحی قرآن، انواع و مراتب نزول آن نیز، در این راستا ارزیابی می‌شود که حقیقت نزول قرآن چیست و قرآن چگونه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است؛

۷. آشکار است که سنخ مسائلی چون وحی و نزول اقتضا دارد که در مرحله نخست به روش عقلی تحلیل یابد و سپس از منابع دینی بهره جسته شود. از این رو انتظار می‌رود استادان ارجمند با اهتمام و نگرش عمیق خود، زمینه فهم دقیق این مباحث را فراهم آورند، و از دانشجویان محترم نیز انتظار می‌رود که این نوع مباحث فکری اعتقادی را با کنجکاوی و ژرف اندیشی و شکیبایی دریابند؛

۸. دو فصل اخیر این اثر، یکی به زمینه‌های نزول نجومی و تدریجی آیات و سوره، نظر دارد و دیگری به ابلاغ و تثبیت وحی توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از نزول جزء جزء وحی مربوط است؛

۹. تلاش و اهتمام نویسنده بر این بوده است که متن حاضر از قلمی روان برخوردار باشد. اما این حقیقت را نمی‌توان از نظر دور داشت که سنگینی مسائل حوزه وحی و نزول را نمی‌توان در متن آموزشی چنان تسهیل نمود که عاری از هرگونه دشواری باشد؛

۱۰. با توجه به فضای آموزشی متن در آغاز هر فصل به هدف‌هایی که زمینه ذهنی دانشجویان محترم را نسبت به محتوای آن فراهم می‌سازد، توجه شده است. از این رو درنگ در این هدف‌ها به فهم بهتر فصل کمک می‌نماید؛

۱۱. تلاش بر این بوده است که حجم مطالب فصل‌ها و همین‌طور سطح علمی آنها هماهنگ و یکسان باشد، لکن ویژگی موضوعی عناوین در برخی موارد مانع تحقق این غرض بوده است. از این رو حجم برخی فصول بیش از برخی دیگر شده و سطح علمی برخی فصول سنگین‌تر نموده است. امیدوار است این دشواری با مهارت‌ها و انعطاف و تنظیم برنامه از سوی استادان ارجمند برطرف گردد؛

۱۲. در پایان هر فصل عناصر اصلی آن به صورت خلاصه آورده شده است که فراگیری و بازآفرینی مطالب فصل را تسهیل می‌نماید؛
۱۳. پرسش‌های پایانی هر فصل نیز اهمیت خاص خود را دارد و در راستای کمک به فهم مؤثر مطالب است و می‌تواند برای دانشجویان محترم سودمند باشد؛
۱۴. پیوست انتهای فصول مطالب تکمیلی مربوط به فصل نخست است که به خاطر کاهش حجم فصل به صورت پیوست آورده شد.
- از خداوند متعال مسئلت دارم که این تلاش ناچیز را به لطف و کرم خویش قبول فرماید.
- الحمد لله أولاً و آخراً

محمدباقر سعیدی روشن

۲۲ مهر ۱۳۹۷

## مقدمه

قرآن، گرامی‌نامه آسمانی خدا به انسان است که از طلوع ظهور خود آثاری شگرف در جان و جهان آدمیان نهاده و دگرگونی‌های عظیمی را در فرهنگ و اجتماع بشر پدید آورده است. این گنجینه بی‌همتای الهی هم‌اینک در اختیار بشر قرار دارد و انسان امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند هدایت قرآن است. تاریکی‌های گمراهی جز در پرتو قرآن روشن نمی‌یابند، بدین‌روی شناخت قرآن و راهکار دستیابی به معارف آن، یک ضرورت اساسی در راستای بهره‌مندی از هدایت این کتاب هدایتگر است. امروز در برابر راه توحید، دنیای کفر و دین‌ستیزی مدرن قرار دارد. انسان مسلمان اینک بیش از هر زمان دیگر نیازمند بازگشت به قرآن است.

علوم قرآن، مادر علوم اسلامی‌اند که در پرتو قرآن کریم، قرائت، فهم و تفسیر آن به بار نشسته و اهتمام مسلمانان را معطوف دانش‌های گوناگون ساخته‌اند. اثر پیش‌رو، به هدف تهیه یک متن آموزشی براساس سرفصل ارائه شده علوم قرآن (۱) نگارش یافته است. تلاش نگارنده بر این بود تا متن از قلم روان بهره‌مند باشد، اما این حقیقت را نمی‌توان از نظر دور داشت که سنگینی مسائل حوزه وحی را دشوار می‌توان در متن آموزشی چنان تسهیل کرد که عاری از هرگونه دشواری باشد.

اهتمام بر آن بود که مسائل مرتبط با سرفصل، برابر یک نظم و چینش منطقی و علمی سامان یابند و صرف نظر از بُعد اعتقادی مسلمانان به وحی قرآنی، گام به گام از اصل وجود قرآن، انتساب آن به خداوند، چگونگی شکل‌گیری و تدوین آن، بحث بررسی شود. با توجه به فضای آموزشی متن در آغاز هر فصل به هدف‌هایی که زمینه ذهنی خواننده را نسبت به محتویات فراهم می‌سازد، توجه شده است. تلاش شد تا حجم مطالب فصل‌ها و نیز سطح علمی آنها

هماهنگ و یکسان باشند، ولی ویژگی موضوعی عنوان‌ها در برخی موارد مانع تحقق این غرض بود؛ از این رو، حجم برخی فصل‌ها بیش از برخی دیگر شد و سطح علمی برخی فصل‌ها نیز سنگین‌تر گردید که این دشواری با انعطاف و تنظیم برنامه از سوی استادان محترم برطرف خواهد شد. در پایان هر فصل، عناصر اصلی آن آورده شده تا فراگیری و بازآفرینی آنها را تسهیل کند. پرسش‌های هر فصل نیز در راستای کمک به فهم مؤثرتر مطالب است. از خداوند متعال درخواست دارم که این تلاش ناچیز را به لطف و کرم خویش قبول فرماید. الحمدلله اولاً و آخراً.

محمدباقر سعیدی روشن

شهر مقدس قم

۲۲ مهرماه ۱۳۹۷، ۴ صفر ۱۴۳۹

## فصل ۱

### قرآن در یک نگاه

#### اهداف آموزشی فصل

- آشنایی با اسامی، اوصاف و ویژگی‌های قرآن کریم؛
- آشنایی اجمالی با معارف و آموزه‌های قرآن.

#### مقدمه

قرآن چه نوع کتابی است؟ آیا کتاب علم است، یا کتاب فلسفه، یا اخلاق؟ آیا کتاب تاریخ و داستان است، یا کتاب مناسک مذهبی؟ به راستی قرآن چیست و چگونه کتابی است؟ هدف اصلی و مرکزی آن کدام است و هدف‌های فرعی و پیرامونی آن چیست؟ می‌توان گفت: قرآن، هم همه اینها هست و هم هیچ یک از اینها نیست؛ قرآن «کتاب انسان» است، نامه خداوند به انسان! قرآن، وصف‌الحال خدا، جهان و انسان، گذشته و آینده هستی و انسان است و پیام اصلی آن، دعوت انسان به خدا، آفریدگار و مدبّر همه هستی و انسان است. در این فصل برخی از نام‌ها، نشانه‌ها، و اوصاف قرآن را باز می‌خوانیم.

#### نام‌های قرآن

قرآن پژوهان، نام‌های بسیاری برای قرآن برشمرده‌اند؛ هرچند در شمار آنها با یکدیگر متفق نیستند؛ قاضی شیدله (د. ۴۹۴ق) در البرهان ۵۵ نام و عنوان را ذکر کرده است. ابوالفتوح رازی (د. ۵۵۴ق) برای قرآن ۴۳ نام برشمرده و شیخ طوسی (د. ۴۶۰ق) و امین الاسلام طبرسی (د. ۵۴۸ق) معتقدند چهار نام «قرآن»، «کتاب»، «فرقان» و «ذکر» نام‌های قرآن هستند.<sup>۱</sup>

۱. ر. ک: حجتی، «اسامی و عناوین قرآن کریم»، وقف میراث جاویدان، ش ۱۱-۱۲.

این عنوان‌ها را می‌توان اوصاف قرآن دانست و از میان آنها تنها واژه «قرآن» برای کتاب نازل شده بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعیین یافته است. در دعایی از امام زین العابدین علیه السلام در وصف رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان شده است که خداوند کتاب نازل شده بر پیامبر خویش را قرآن نامید: «هُوَ حَبِيبُكَ وَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله ... خَصَّصَتْهُ بِالْكِتَابِ الْمُنَزَّلِ عَلَيْهِ وَ السَّبْعِ الْمَثَانِي الْمُوَحَّاتِ إِلَيْهِ، وَ أَسَمَيْتَهُ الْقُرْآنَ»<sup>۱</sup> بر این اساس، تنها به توضیح همین واژه و وجه نام‌گذاری آن می‌پردازیم.

### مفهوم قرآن

در معنای لغوی و ساخت زبانی واژه «قرآن»، احتمال‌های گوناگونی مطرح شده است:<sup>۲</sup>

**الف)** برخی آن را چون رجحان و غفران، مصدر مشتق از واژه «قَرَأَ»، به معنای خواندن می‌دانند،<sup>۳</sup> چنان‌که آیه شریفه «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ» (قیامت، ۱۷) به آن اشاره دارد.<sup>۴</sup> بر پایه این احتمال، اکنون واژه قرآن معنای منقول یافته است و در کاربردهایی مانند «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (بقره، ۱۸۵) اسم علم، برای کتاب نازل شده بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله است؛

**ب)** برخی دیگر، از جمله، زجاج (د. ۳۱۱ق)، قرآن را مشتق از «قَرَأَ» به معنای جمع، صفت مشبیه بر وزن فُعْلان<sup>۵</sup> به معنای «جامع» یا «گرد آورده شده» یا «خواندنی»<sup>۶</sup> دانسته‌اند، که به تدریج نام علم شخصی برای کتاب مُنَزَّل الهی و آخرین کتاب الهی، شده است. راغب اصفهانی (د. ۵۰۲ق) گفته است: قرآن بدین نام نامیده شده، چون همه ثمرات کتاب‌های پیشین را در خود دارد؛<sup>۷</sup> جامع همه کتاب‌های پیشینیان و نگهبان آنان است؛ خواندنی است، بدان روی که از مرتبه علم الهی به جامه الفاظ و عبارات‌های قرائت‌پذیر درآمده است؛

**ج)** گروهی نیز مانند قَرَاء (د. ۲۰۷ق) و ابوالحسن اشعری (د. ۲۲۴ق) ریشه لفظ قرآن را مشتق از «قَرَن» به معنای شباهت چیزی به چیز دیگر دانسته و همزه را زائد گرفته‌اند. بر این اساس،

۱. سید ابن طاووس، الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۱، ص ۴۹۰.

۲. سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۸۸.

۳. همان‌جا.

۴. زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۷.

۵. همان‌جا؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۸۸؛ صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ج ۵، ص ۱۹.

۶. مصباح یزدی، قرآن‌شناسی، ص ۲۸.

۷. سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۸۹.



نزدیکی حروف آیه‌ها و سوره‌ها، شباهت، قرین بودن و تأیید آیات نسبت به همدیگر را، توجیهی برای این نام‌گذاری گرفته‌اند؛<sup>۱</sup>

د) سرانجام به‌عنوان یک احتمال این رأی نیز مطرح شده که قرآن اسم جامد و مرتجل است و از همان آغاز کاربرد خود، به‌عنوان علم برای وحی الهی نازل شده بر محمد ﷺ وضع شده است. این نظریه به شافعی (د. ۲۰۴ ق) نسبت داده شده است.<sup>۲</sup> در میان احتمال‌های یاد شده، البته احتمال اول و دوم با کاربردهای متن قرآن و قواعد زبانی، سازگارترند.

### معنای اصطلاحی قرآن

لفظ قرآن به هر کدام از معنای لغوی گرفته شود، امروز یک مفهوم اصطلاحی و نام علم شخصی برای کتاب مقدس نازل شده بر پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد ﷺ است. یکی از پژوهشگران مسلمان می‌نویسد: «قرآن لفظی است که بر پیامبر اسلام نازل و به تواتر از آن حضرت نقل شده است و ما متعبد بر تلاوت آن هستیم».<sup>۳</sup> این قیود در تعریف اصطلاحی قرآن می‌تواند ناظر به تمایز قرآن از حدیث قدسی و جز آن باشد، ولی گمان می‌رود مفهوم اصطلاحی قرآن واضح‌تر از آن است که نیازمند توضیح باشد.

### نشانه‌ها و اوصاف

بهترین معرف برای شرح اوصاف قرآن کریم، خود قرآن است؛ زیرا خداوند خود متکلم قرآن و نازل‌کننده آن است و قرآن را بهتر از هرکس می‌شناسد و در معرفی آن از هر صاحب‌نظری شایسته‌تر است. پس برترین تعریف، همان است که خداوند درباره این کتاب عظیم دارد. سخنان عترت طاهره (علیهم‌السلام) در توصیف قرآن، نیز مستند به قرآن هستند.

۱. همان، ص ۱۸۸.

۲. الصباغ، لمحات فی علوم القرآن و اتجاهات التفسیر، ص ۳۸.

۳. زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۳.

## ۱. تجلی خدای متعال

هویت و شناسنامه قرآن، انتساب به خدای جهان دارد، نه به فرد، یا جامعه خاص. همان‌گونه که هستی، ظهور و تجلی عینی خداست، قرآن نیز، تجلی علمی حق تعالی است. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لِخَلْقِهِ فِي كَلَامِهِ وَ لَكِنَّهُمْ لَا يُبْصِرُونَ».<sup>۱</sup> امام علی (علیه السلام) نیز فرمود: «فَتَجَلَّى لَهُمْ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَأَوْهُ»؛<sup>۲</sup> بدین‌روی قرآن وحی خدا و تراوش علم ذات حق برای راهبری انسان است، نه مولود فکر انسان.

## ۲. نور

خداوند متعال، قرآن را با نام و صفت «نور» معرفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» (نساء، ۱۷۴)؛ «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ» (مائده، ۱۵). خاصیت نور، روشن بودن بالذات و روشن‌گر غیر بودن است. ذات قرآن و معارف و آموزه‌های آن عاری از ابهام و تیرگی اند؛ از این‌رو می‌توانند انسان و جامعه انسانی را از تاریکی‌های فکری اعتقادی، اخلاقی، بی‌هدفی و سرگردانی و ارهاند. به زندگی انسان معنا بخشند و تلاش‌های وی را جهت دهند و به صراط مستقیم درآورند، و به سوی هدف مطلوب و سعادت سوق دهند: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (ابراهیم، ۱).  
امیر بیان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا لَا تَطْفَأُ مَصَابِيحُهُ وَ سِرَاجًا لَا يَخْبُثُ تَوَقُّدُهُ».<sup>۳</sup>  
نور بودن قرآن سخنی استوار است؛ زیرا قرآن سخن خدایی است که خود را «نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (نور، ۳۵) می‌خواند.

## ۳. بهترین سخن خدا

قرآن از سویی به‌عنوان «کلام الله» معرفی شده است: «وَ إِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ» (توبه، ۶) و در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «هُوَ [القرآن] كَلَامُ اللَّهِ وَ قَوْلُ اللَّهِ وَ كِتَابُ اللَّهِ وَ وَحْيُ اللَّهِ وَ تَنْزِيلُهُ».<sup>۴</sup> افزون بر این، قرآن بهترین گفتار است: «اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيًا» (زمر، ۲۳). «حدیث» در دو معنا به کار می‌رود: یکی، به معنای تازه

۲. سیدرضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۷.

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۰.

۴. صدوق، التوحید، ص ۲۲۴.

۳. همان، خطبه ۱۹۸.



و جدید، و دو دیگر، به معنای سخن و کلام؛ گرچه اصل معنای این ریشه به معنای «تازگی» است و شاید در کلام نیز به همین عنایت که اجزای آن در پی هم و نو به نو، حادث می‌شوند، به کار رفته است. البته در کاربرد فعلی، واژه حدیث، عنایتی بر تازه بودن مفهوم و مضمون کلام نیست. بنابراین، حدیث هنگامی که درباره قرآن به کار می‌رود به معنای سخن و احسن الحدیث به معنای بهترین سخن است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ وَ أَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقُصَصِ».<sup>۱</sup>

#### ۴. برهان

قرآن بر منطق عقل استوار است، وصف آن، بهره‌مندی از محتوای درست و برهان بودن است. برهان، یعنی آشکار بودن؛ دلیل گویا و قطعی را برهان می‌گویند. ارکان اساسی معارف توصیفی و آموزه‌های ارزشی قرآن، بهره‌مندی از پشتوانه عقلی و خردپیشگی است. قرآن اگر ادعائی می‌کند، در کنار دلیل و اگر دعوتی دارد، در پرتو برهان است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ» (نساء، ۱۷۴). امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در سخنی می‌فرماید: «ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا لَا تُطْفَأُ مَصَابِيحُهُ وَ سِرَاجًا لَا يَخْبُو تَوَقُّدُهُ وَ بَحْرًا لَا يُدْرِكُ قَعْرُهُ وَ مِنْهَا جَا لَا يُضِلُّ نَهْجُهُ وَ شُعَاعًا لَا يُظْلِمُ صَوُّهُ وَ فُوقَانًا لَا يُخَمِّدُ بُرْهَانُهُ وَ تَبَيَّنَا لَا تُهْدِمُ أَرْكَانُهُ».<sup>۲</sup>

قرآن محتوایی همسو با فطرت درون آدمیان دارد و هماهنگ با جهان واقع بیرون. صورت و قالب بیان قرآن همراه با برهان روشن و دلیل قاطع است. قرآن وقتی خود را سخن خدا می‌خواند، دلیل و نشان این ادعا را بیان می‌کند و مردم جهان را به هماوردطلبی و همانندآوری و گفتگو می‌خواند. قرآن وقتی سخن از توحید، دین، وحی، رسالت و معاد می‌راند، دلیل هر یک را به همراه آن می‌آورد.

#### ۵. تبیان جامع هدایت و سعادت

از جمله عنوان‌هایی که خداوند در وصف قرآن بیان داشته «تبیان کل شیء» بودن آن است. تبیان، مصدر سماعی از فعل متعدی به معنای روشن کردن است: «وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل، ۸۹)؛ یعنی هر چیزی که در تأمین هدایت و

۲. همان، خطبه ۱۹۸.

۱. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

سعادت انسان سهم مؤثر دارد، در این کتاب الهی بیان شده است. انسان اگر بینش‌هایی نیاز دارد که وجود او را از حقایق مهم هستی آگاه کند، مانند اینکه جهان چیست؟ انسان کیست؟ این واقعیت‌ها چگونه و چرا پدید آمده‌اند؟ فرجام جهان و انسان چه می‌شود؟ قرآن به این پرسش‌های حیاتی پاسخ داده و این حقایق را عیان کرده است، تا انسان بداند کیست و در کدام جهان زندگی می‌کند. انسان اگر نیاز دارد که بداند کدام راه و چه رفتاری او را به مقصد درست می‌رساند و سعادت زندگی دنیا و حیات جاودان او را فراهم می‌کنند، قرآن این آموزه‌ها و ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها را در یک نظام هماهنگ تعبیه کرده است. از این‌رو، امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ الْقُرْآنَ تَبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئاً يَحْتَاجُ الْعِبَادَ إِلَيْهِ».<sup>۱</sup>

#### ۶. کتاب حق و مصون از تردید

از جمله اوصاف قرآن کریم، حق بودن است. قرآن از مبدأ تنزل تا پایان نزول، مطابق با واقع و حق است. حق چیزی است که واقعیت و ثبات دارد و زوال و فنا نمی‌پذیرد: «وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَّلَ» (اسراء، ۱۰۵). قرآن حقیقتی الهی است که هیچ شک و ریبی در خدایی بودن و راهبری انسان به حیات طیّب را بر نمی‌تابد: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره، ۲). امام علی (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ الْقُرْآنَ حَقٌّ وَنُورٌ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ وَشِفَاءٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ».<sup>۲</sup>

#### ۷. کتاب راهنما

انسان در این جهان چون مسافری است که به سوی مقصدی در حرکت است و برای شناختن راه زندگی و رسیدن به هدف درست، افزون بر عقل و تجربه، نیازمند هدایت وحی است. قرآن این نقش را بر عهده دارد که هادی انسان در مسیر طولانی حیات است. خداوند در آیات فراوانی، قرآن را کتاب هدایت معرفی کرده، می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِّلْمُسْلِمِينَ» (نحل، ۸۹). امام علی (علیه السلام) در بیان اوصاف قرآن و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ابْتَعَثَهُ بِالنُّورِ الْمُضِيِّ وَ الْبُرْهَانِ الْجَلِيِّ وَ الْمُنْهَاجِ الْبَادِي وَ الْكِتَابِ الْهَادِي».<sup>۳</sup>

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۱۵۵.

۱. قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۵۱.

۳. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۶۱.

## ۸. شفای آلام انسان

زندگی دنیا آمیخته با سختی‌ها و رنج‌هاست: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»<sup>۱</sup> (بلد، ۴). دنیا مهمان‌خانه انسان نیست، بلکه میدان تلاش و آزمون اوست: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا»<sup>۲</sup> (انسان، ۲). آفریدگار حکیم انسان را در این جهان تنها نگذاشته، بلکه ابزار رفع دشواری‌ها و روش برون‌رفت از آزمون‌ها را در اختیار وی نهاده است. خداوند، قرآن را شفای بیماری‌های فکری روانی، اخلاقی اجتماعی، درونی و برونی، و درمان دردهای انسان، معرفی کرده است: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»<sup>۳</sup> (اسراء، ۸۲). شفا، مصدر و به معنای بهبود بخشیدن از بیماری و درمان کردن آن است و اسم مصدر، به معنای بهبود یافتن و درمان نیز به کار می‌رود و بر دارو و هر آنچه موجب بهبود است اطلاق می‌شود. اطلاق شفا بر قرآن مجید از قسم سوم و به لحاظ درمان کردن بیماری‌های معنوی انسان است. اگر قرآن ذاتاً شفا شد، هرگز هیچ مرضی در آن راه نمی‌یابد و هرگاه شخصی به قرآن مراجعه کند بدون شفا و درمان باز نمی‌گردد؛ قرآن کریم، جهل را که بدترین بیماری درونی است، با علم درمان می‌کند و شک را با یقین، و اندوه و غم را با آرامش و ترس و هراس را با طمأنینه و امید، و اضطراب و نگرانی از آینده را با عزم و ثبات برطرف می‌سازد. در حدیثی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌خوانیم: «اعلموا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقَةٍ وَلَا لَأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غِنَى فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَانِكُمْ وَاسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَأَوَاتِكُمْ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَهُوَ الْكُفْرُ وَالنَّفَاقُ وَالْعَيْ وَ الصَّلَالِ»<sup>۴</sup>.

## ۹. جداکننده حق از باطل

جهان انباشته از دعاوی فکری و اندیشه‌های گوناگون است؛ اما کدام فکر مطابق با واقع و کدام اندیشه تابلو حق را در خود نهفته دارد؟ بی‌گمان فکری می‌تواند صائب باشد که ترجمان حیات انسان است؛ چنین فکری تنها از عهده آفریدگار انسان برمی‌آید، نه از هر مدعی. خداوند قرآن را «قول فصل» معرفی کرده؛ زیرا کلامی است قاطع هرگونه شبهه و شک و سخنی جدی و منزله از

۱. بی‌گمان انسان را در رنج آفریده‌ایم.

۲. ما انسان را از نطفه‌ای برآمخته آفریدیم، او را می‌آزماییم از این‌رو شنوا و بینایش گردانیده‌ایم.

۳. و ما آنچه از قرآن فرستیم شفا و رحمت الهی بر اهل ایمان است.

۴. سیدرضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۶.

مزاح و طنز و مانند اینها است: «إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَضْلٌ \* وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ»<sup>۱</sup> (طارق، ۱۳-۱۴). امام صادق علیه السلام از نیاکان خود علیه السلام نقل می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ؛ ... هُوَ كِتَابٌ فِيهِ تَفْصِيلٌ وَبَيَانٌ وَتَحْصِيلٌ، وَهُوَ الْفَضْلُ لَيْسَ بِالْهَزْلِ»<sup>۲</sup>. «فرقان» نیز وصف قرآن است. «فرقان» چیزی است که حق را از باطل جدا می‌سازد. خداوند کلام خود را فرقان می‌نامد؛ زیرا در پرتو روشنگری‌های آیات نورانی این کتاب، حق از باطل جدا می‌شود: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان، ۱).

### ۱۰. کتابی برای همه

قرآن پیامی فراگیر و دعوتی همسو با سرشت همه آدمیان دارد. از این رو، مخاطب قرآن قبیله و نژادی خاص نیستند. تراز رحمت وحی محمدی صلی الله علیه و آله همه مردم جهان‌اند: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء، ۱۰۷). آری قرآن کتابی جهان‌شمول و دعوتی انسان‌محور است که همه مردم را به صلاح و سداد و اصلاح خود و ساخت اجتماعی خردمند، عدل‌پیشه و موحد فرامی‌خواند: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ» (بقره، ۱۸۵). پیام آشکار تعبیر مکرر «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» در آیات مختلف، آن است که قرآن راه رشد خود را که «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره، ۲۵۶) می‌خواند، برای همه می‌خواهد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاحْشُوا يَوْمًا» (لقمان، ۳۳).

راه تعالی قرآن راهی است گشوده برای همه: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَلا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران، ۶۴). گذر روزگاران هیچ‌گاه غبار کهنگی و فرسودگی بر قامت بلند قرآن و دعوت جهانی آن نمی‌نشانند. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «لَا يَخْلُقُ [القرآن] عَلَى الْأَزْمِنَةِ وَلا يَغْتُ عَلَى الْأَلْسِنَةِ لِأَنَّهُ لَمْ يُجْعَلْ لِرِمَانٍ دُونَ زَمَانٍ، بَلْ جُعِلَ دَلِيلَ الْبُرْهَانِ وَ الْحُجَّةِ عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ»<sup>۳</sup>.

۱. این سخن، فصل الخطاب جدّ محض است و شوخی در آن راه ندارد.

۲. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۹۵-۵۹۶. ۳. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۰.

## ۱۱. سخن کریم، فرازند و قوام بخش

قرآن، سخنی کریم و گرامی است؛ چون مبدأ صدور آن خداوند اکرم است: «أَقْرَأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ \* عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق، ۳-۵). مجاری تجلی و ظهور قرآن نیز کریم است: «فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ \* مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ \* بِأَيْدِي سَفَرَةٍ \* كِرَامٍ بَرَرَةٍ» (عبس، ۱۳-۱۶)، «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ» (تکویر، ۱۹). اقتضای این سخن پربها، ورهاورد آن، پرورش انسان‌های کریم خواهد بود.

قرآن، سخن حکیمانه و «کتاب حکیم» خداست: «يَس \* وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ» (یس، ۱-۲). حکمت بیانگر استواری و استحکام است. قرآن، حکیم است؛ چون استوار سخن می‌گوید و سخن استوار می‌گوید. قرآن مضمونی فرازند و منطقی استوار و اسلوبی متقن دارد که همگان را بدان نیاز است و او را به هیچ کس حاجت نیست: «ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ» (اسراء، ۳۹).

قرآن را مراتبی گوناگون است: «حَم \* وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ \* إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ \* وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ» (زخرف، ۱-۴). قرآن در مقام تنزل و «وجه خلقی»، در جامه لفظ، و عربی مبین است، ولی در مقام «وجه ربی»، رتبی برتر (علی حکیم) در «ام‌الکتاب»، دارد. علو قرآن و حکمت آن با هم ظهور یافته است. هرکس به اندازه تقرب خود به قرآن، اعتلا می‌یابد، و می‌تواند روح اعتلا و حکمت را در جامعه احیا کند و ذلت و سفاهت را برطرف سازد.

قرآن کریم، با کرامت و حکمت خود منشأ قوام انسان است. قیم از ماده قیام به معنای راست ایستادن است و وقتی با حرف جر متعدی شود، معنای برپا کردن و مراقبت و حفظ را دارد. قرآن در تبیین سمت رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً \* فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ» (بینه، ۲-۳)؛ پیامبر صحیفه‌هایی پاک را تلاوت می‌کند که خود قائم‌اند و قیوم افکار انسان هستند. معارف قرآن موجب قوام باور، عمل، و روان انسان است. قرآن پیروان خود را از بیراهه و کژراهه می‌رهاند و قیم جامعه از انحراف‌هاست.

## ۱۲. بشارت بخش و هشداردهنده

قرآن خود را بشارت بخش و هشداردهنده می‌نامد: «تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ \* بَشِيرًا وَنَذِيرًا» (فصلت، ۲-۴) و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «فَإِنَّمَا يَسْرُنَا بِسَائِكَ لِنُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَنُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُّدًّا» (مریم، ۹۷). بشری، به معنای مژده و خبر شادی بخش است و آورنده آن را بشیر گویند. نذیر، به معنای انداز، یعنی بیم دادن و نیز به معنای منذر، یعنی بیم‌دهنده به کار می‌رود.

اطلاق بشیر و نذیر بر قرآن کریم، بدین لحاظ است که مشتمل بر خبرهای شادکننده برای اهل ایمان و طاعت و خبرهای ترس آور برای اهل کفر و عصیان است. اهمیت این اوصاف از این نظر است که انگیزه فعالیت‌های انسان، ترس و امید است و تنها شناختن حق و باطل برای انگیزش او کافی نیست، البته منشأ ترس، گاه آلام و رنج‌های زودگذر مادی، گاه عذاب و شکنجه ابدی و گاه محرومیت از وصال محبوب سرمدی است؛ چنان‌که منشأ امید نیز گاه لذت‌ها و منافع دنیوی، گاه نعمت‌های جاودانی و گاه قرب و رضوان الهی است. مردمی که هنوز ایمان به آخرت و جهان ابدی نیآورده‌اند ترسشان از محرومیت مادی و امیدشان به منافع دنیوی است. مؤمنان متوسط، ترسشان از عذاب دوزخ و امیدشان به بهشت برین است و مؤمنان کامل ترسشان از دوری از خدا و امیدشان به خشنودی و قرب اوست. قرآن همه گونه انداز و تبشیر درخور هر دسته از مردم را دارد و از این‌رو، در این باب، جامع‌ترین برنامه تربیتی را برای طبقات گوناگون مردم که دارای استعداد و بینش و همت‌های متفاوت هستند، دربردارد و هرکسی را با بیانی که درخور فهم و استعدادش باشد به سوی کمال و سعادت سوق می‌دهد.

### ۱۳. حبل الله

خداوند می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳)، همه با هم به ریسمان خدا چنگ درزنید و در روایت ثقلین آمده است: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ كِتَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي».<sup>۱</sup>

امام رضا علیه السلام قرآن را ریسمان استوار، دستاویز مطمئن، طریق رهنمون به بهشت و رهایی بخش از دوزخ می‌نامد: «هُوَ [القرآن] حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَطَرِيقُهُ الْمُنْتَلَى الْمَوْدَى إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمُنْجَى مِنَ النَّارِ».<sup>۲</sup>

خداوند همه مؤمنان را به وحدت بر محور حبل الهی که قرآن و عترت‌اند، دعوت می‌کند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (آل عمران، ۱۰۳). حرکت و

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۳؛ حرّ عاملی، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۱، ص ۷۳۵.

۲. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۰.